احكام و تعاليم فردى - نهی از اختلاف

حضرت بهاءالله



**نهی از اختلاف**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " إيّاکم إيّاکم عن الفساد والاختلاف لأنّ بذلک يرجع الضّرّ إلی سدرة قدس مرفوعا ... قدّسوا أنفسکم عن کلّ ما يحدث به النّفاق بينکم ليشهدکم اللّه مطهّرا عن کلّ دنس وعن کلّ ما لا يحبّه رضاه وهذا ما أمرتم به في ألواح قدس ممنوعا. کذلک وصّاکم قلم الرّحمن حين الّذي أحاطته الأحزان من کلّ الأشطار وکفی باللّه علی ذلک شهيدا "

(لوح الرّوح - ص ١٣٦ ج ٤ آثار قلم اعلی)

2 - " قل يا قوم لا تختلفوا في أمر اللّه أن اتّبعوا ما أمرتم في کتاب مبين إيّاکم أن يمنعکم أعمال الّذين يدّعون الإيمان إنّ الّذي تجاوز عن حدودي إنّه ليس منّي إلّا أن يتوب إلی اللّه الغفور الکريم " (ص ٣٨٧ ج ٣ امر وخلق)

3 - " هر نفسی اليوم ذکری نمايد که سبب اختلاف شود لدی اللّه مردود بوده و هست ... نفوس محيله مثل نفوس قبل موجو دو اختلاف را دوست داشته و ميدارند نسأل اللّه أن يوفّقهم ويؤيّدهم علی نصرة أمره العزيز البديع ويمنعهم عمّا يختلف به النّاس ويحفظهم من همزات الشّياطين " (ص ٥- ٢٤٤ ج ٣ امر و خلق )

4 - " هر امری که بقدر رأس شعری رائحه فساد و نزاع و جدال و يا حزن نفسی از او ادراک شود حزب اللّه بايد از او احتراز نمايند بمثابه احتراز از رقشاء" (ص ٣٢١ گنجينه حدود و احکام)

5 - " حقّ شاهد و گواه است که ضرّی از برای اين امر اليوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابين احباب نبوده و نيست" (ص ٢٢٢ مجموعه اقتدارات)

6 - " اگر جميع عالم از حقّ اعراض نمايند ضرّی بر امر وارد نه بلکه اعراض خلق سبب و علّت ارتفاع امر حقّ جلّ جلاله است ولکن ضرّ و حزن مظلوم از عدم اتّحاد و اتّفاق اولياء و دوستانست " (ص ٥٧ ج ٨ مائده آسمانی ط ١٢١)

7 - " هيچ ضرّی اعظم از اختلاف از برای امراللّه نبوده و نيست " (ص ٢٤٤ ج ٣ امر وخلق)

8 - " سمّ قتّال اختلاف بوده و خواهد بود " (ص ٣٢٠ گنجينه حدود و احکام )

9 - " اختلاف احبّای الهی اليوم سبب سرور اعداء از ملل مختلفه و تضييع امر بوده و خواهد بود . نسأل اللّه أن يوفّق أحبّائه علی المحبّة والاتّحاد وعلی المحبّة والاتّحاد وعلی المحبّة والاتّحاد " (ص ٢٤٥ ج ٣ امر و خلق )

10 - " طوبی از برای نفوسی که بحبل شفقت و رأفت متمسّکند و از ضغينه و بغضا فارغ و آزاد "

(طراز دوم - ص ١٨ مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی)

**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " جمال مبارک فرموده اند که اگر ميان دو نفر از ياران مجادله شود و در مسأله ای از مسائل الهيّه مباحثه واقع گردد ، منجر باختلاف شود و اختلاف سبب توهين امراللّه " (ص ٢٤٥ ج ٣ امرو خلق)

2 - " هميشه تأثّرات قلب عبدالبهاء از اغبراريست که در ميان احبّا حاصل گردد. مصائب خارجه تأثيری ندارد بلايای وارده را حکمی نه زيرا هر چه هست از خارج است توقّعی از آنان نيست ولی اگر در ميان احبّا رنجش و اغبراری حاصل گردد بينهايت تأثير دارد...". (ص ١٣٦ فضائل اخلاق)

3 - " اليوم نصرتی از برای ميثاق الهی اعظم از اّتحاد و اتّفاق نه و همچنين اهانتی اعظم از اختلاف و شقاق نيست واللّه الّذي لا إله إلّا هو اگر اتّحاد و يگانگی در ميان مابکمال درجه چنانکه رضای جمال قدم است حاصل نگردد کور اعظم نتيجه نبخشد بلکه اين حزب چون احزاب سابقه باشد بلکه بکلّی محو گردد". (ص ٢٥١ ج ٣ امر و خلق)

4 - " ای ياران الهی زنهار زنهار از اختلاف زيرا بنيان الهی از اختلاف برافتد و شجره مبارکه از ارياح اختلاف از ثمر باز ماند. گلشن توحيد از زمهرير تباين افکار پژمرده گردد و نار محبّت اللّه افسرده شود" (ص ٣- ١٥٢ ج ٩ مائده آسمانی ط اوّل)

5 - " در کائنات خارجه تفکّر کنيد تا عبرت حاصل شود سحاب متفرّق فيض باران ندارد و در اندک مدّت متلاشی شود . گله پراکنده در تحت تسلّط گرگ افتد. طيور متفرّقه بچنگل باز مبتلاشود . چه برهانی اعظم از اين که اتّحاد و اتّفاق سبب ترقّی و حياتست و اختلاف و افتراق مورث ذلّت و هوان و اعظم اسباب خذلان و خسران ...". (ص ٢٦٧ ج ١ منتخباتی از مکاتيب حضرت عبدالبهاء - ط آمريکا)

6 - " همچو گمان نميکنم که کسی سبب ذرّه ای اختلاف در امر مبارک شود، خواه سرّی و خواه جهری ، و خير ببيند عنقريب معلوم خواهد شد و هذا وعد غير مکذوب " (ص ٩-١٢٨ ج ٩مائده‌آسمانی ط اوّل)

7 - " با اينهمه بلايا و اينهمه رزايا و هجوم اعداء ، در ميان احبّاء نيز اغبرار موجود با وجود آنکه امر جمال قدم روحی لاحبّائه الفداء عبارت از حقيقت محبت است و سبب اتحاد و الفت تا کلّ امواج يک بحر گردند و نجوم باهره اوج نامتناهی يک فلک . لئالی اصداف توحيد گردند و جواهر متلألئه معدن تفريد . بنده يکديگر گردند و نيايش و ستايش و پرستش همديگر کنند . زبان بمدح و ستايش هر يک از احبّا گشيايند و نهايت شکرانه ر ااز يکديگر نمايند . نظر بافق عزّت کنند و بانتساب آستان مقدّس جز خير يکديگر نبينند و جز نعت يکديگر نشنوند و بجز مدح و ستايش يکديگر کلمه ای بر لسان نرانند. بعضی بر اين منهج قويم سالک . الحمد للّه بعون و عنايت الهيّه موفّق و مؤيّد در جميع ممالک . ولی بعضی براين مقام اعزّ اعلی چنانچه بايد و شايد قائم نه و اين بسيار سبب احزان عبدالبهاست چنان حزنی که بتصوّر نيايد زيرا طوفانی اعظم از اين از برای امراللّه نه و وهنی اشدّ از اين بر کلمة‌اللّه نيست . بايد احبّای الهی کلّ متّحد و متّفق شوند در ظلّ علم واحد محشور شوند و به رأی واحد، مخصوص گردند و به مشی واحد سلوک نمايند و به فکر واحد تشبّث کنند آراء مختلفه را فراموش نمايند و افکار متفاوته را نسيان فرمايند زيرا الحمدلله مقصد، مقصد واحد است و مطلوب ، مطوب واحد. کلّ بنده يک آستانيم و شيرخوار يک پستان . در ظلّ يک شجره مبارکه ايم و در سايه يک خيمه مرتفعه ". (ص ٣- ٢٢٢ ج ١ منتخباتی از مکاتيب حضرت عبدالبهاء ط آمريکا)

8 - " عبدالبهاء در طوفان خطر است و از خوف اختلاف آراء در نهايت حذر . اگر معاذاللّه اختلاف جزئی حاصل گردد جميع نفوس ذليل وهالک و امراللّه بنهايت ذلّت در جميع ممالک گرفتار شود . ديگر معلوم است که چقدر از اين فکر در اضطرابم . الحمدللّه اسباب اختلافی نه ". (ص ٥٠٠ ج ٣ مکاتيب حضرت عبدالبهاء)

9 - " ای ياران عبدالبهاء شمارا بملاحت و صباحت جمال ابهی قسم ميدهم که مانند نجوم ثريّا مجتمع و مؤتلف گرديد و سبب اتّحاد و يگانگی عالميان شويد بنياد خلاف بر اندازيد و بنيان ائتلاف بلند سازيد و بذيل محبّت الهيّه در آويزيد و ساحت قلب را از مغايرت و مخالفت بپردازيد تا محلّ اشراق شمس حقيقت گردد و نور موهبت بدرخشد ..."

(ص ١٣٦ ج ٢ منتخباتی از مکاتيب حضرت عبدالبهاء)

10 - " هر کاری که بالفت و محبّت و خلوص نيّت فيصل شود نتيجه اش انوار است و اگر ادنی اغبراری حاصل شود نتيجه اش ظلمات فوق ظلمات است " (ص ٥٠٧ ج ٣ مکاتيب حضرت عبدالبهاء)

11 - " حضرت بهاءاللّه ابواب اين اختلافات را مسدود فرمودند ... حتّی فرمودند اگر دو نفر در امری اختلاف کنند که به دوئيّت منجر شود هر دو باطلند و از اعتبار ساقط " (ص ٨-١٧٧ج ٥ مائده آسمانی ط ١٢٩)

12 - " اگر چنانچه بين دوستان معاذاللّه اختلافی جزئی و کلّی در امری حاصل شود کلّ بايد بکلّی سکوت نمايند و يا محبّت کنند و سؤال نمايند تا جواب ارسال گردد باری هر نفسی سبب اختلاف بين دوستان شود بايد از او احتراز نمايند و اجتناب کنند" (ص ٩٢ ج ٣ امر و خلق)

**حضرت ولی امر الله:**

1 - " اگر صيانت و تقدّم سريع امراللّه را خواهانيم بايد بهر نحوی ممکن ادنی شائبه اختلاف و برودت و اغبرار را از ميان خود محو سازيم و با قلوبی صاف و پاک و طيّب و طاهر در کمال روح و ريحان و يگانگی نفحات تقديس و تنزيه و خلوص ومحبّت الهيّه را بمشام آلوده اهل عالم رسانيم . ادنی گفتگوئی در جميع احباب سلب تأييد نمايد و روح مجرد منعش امراللّه را از هيکل آن جمع مريض چون برق اخراج نمايد . مجهودات و مساعی مبذوله را بتمامها بباد دهد و اسباب تقهقر و انحطاط و تجزّی و اضمحلال آنا فآنا ازدياد يابد و از جميع جهات احاطه نمايد ". (ص ٩ منتخبات از توقيعات مبارک)

و در همين توقيع مبارک اين سه بيان محزن و عبرت انگيز زيارت ميشود :

2 - " نميدانيد که آثار و علائم عدم صفا در قلوب مؤمنين بلکه ادنی شائبه دلتنگی و برودت و اغبرار در جمع احباب چقدر اسباب خلل و توهين و تزييف اين امر است و علّت خجلت و حيرت و شرمساری اين عبد و به چه حدّی مضرّ و مخالف مبدأ و اساس شريعة‌اللّه ....". (ص ٥ منتخبات توقيعات مبارک)

3 - " اگر اخوّت حقيقی باحسنها و اجملها و اکملها در بين احبّا تحقّق نيابد تأسيس وحدت عالم انسانی چگونه ممکن . اگر اختلاف در بين ياران که هر يک حامل پيام نجاتند زائل نگردد اميدی ديگر نه و تبليغ را ديگر اثر و فائده ای و لزومی نبوده و نخواهد بود ". (ص ٩ منتخبات توقيعات مبارک)

4 - " تا اتّحاد و اتّفاق کامل در بين احبّا جلوه ننمايد و محکم و ثابت نگردد امر عزيز الهی در حالت توقّف باقی و از فتح و ظفر ممنوع و محروم ". (ص ١١ متنخبات توقيعات مبارک)

5 - " و نيز از وظائف محفل جهد در تأليف قلوب ياران است و دفع علّت و اثر اختلاف و کدورت واغبرار در جمع احباءاللّه بهر وسيله‌ای بايد هر برودت وکدورتی رابروحانيّت و صفا تبديل داد و سکون و خمودت را به وله و اشتعال مبدّل کرد ".

(ص ٤٠٢ منتخبات توقيعات مبارک)

6 - " اگر ياران بتمام قوا اختلاف شخصی خود را فراموش کنند و قلب خود را بخاطر حضرت بهاءاللّه بسوی محبّت عميقی که بيکديگر دارند مفتوح سازند ملاحظه خواهند کرد که بر قدرت آنها بنحو وسيعی افزوده شده است و آنها قادر خواهند بود که قلوب عامّه مردم راتسخير نمايند". (ص ٢٣ نمونه حيات بهائی - ترجمه مصوّب)